

## SELÇUKLU MİMARİSİ ÜZERİNE BİR İNCELEME

### AN ANALYSIS ABOUT THE SELJUK ARCHITECTURE

Abdolvahid SOOFIZADEH \*

#### Öz

X. yüzyılın sonlarında ve XI. yüzyılların başlarında Oğuzlar önce eski Horasan bölgesine oradan da İran'ın merkezine doğru ilerlemişlerdir. Selçuklu Devleti'nin kurucusu olan Türkmenler, hâkim oldukları bölgelerde siyasi ve ekonomi açıdan güven ve başarı sağladıkları için İslam din, ilim, mimari, sanat gibi konularda zirveye ulaşmıştır.

Selçuklu Devleti döneminde camiler, medreseler, kütüphaneler, darü'ş-şifa ve kervansaraylar gibi çok sayıda mimari eser inşa edilmiştir. İslam öncesi İran sanatı ve İslam sanatının birleşmesiyle Selçuklu Devleti döneminde farklı özelliklere sahip bir mimari tarz ortaya çıkmıştır. Geniş bir coğrafyaya sahip olan Büyük Selçuklu Devleti, Anadolu topraklarında da benzer mimari eserler ortaya koymuştur. Selçuklu Devleti döneminde var olan ve daha sonra da Osmanlı Devleti'ne geçen mimari yapılardan birisi eyvandır. Genelde avlu ve bina içinin dış kısmının yarı kapalı olarak görüldüğü yerler bu dönem özelliklerinden sayılmaktadır. İklim şartları doğrultusunda eyvan her zaman binanın dış kısmında bulunur ve aoluya göre yılın farklı mevsimlerinde daha çok kullanışlıdır.

Bu döneme ait bir diğer özellik ise dönemin mimari eserlerinde taş yapılan tuğlaların bulunmasıdır. Özellikle Büyük Selçuklu ve Anadolu Selçuklu Devletlerinin kurulduğu topraklar deprem alanları olduğu için yapılan mimari eserlerde kullanılan malzemeler ona göre ayarlanmıştır. Oğuzların, Horasan bölgelerine gelmeden önce yarı göçebe hayat tarzında yaşamalarından dolayı şekil ve iç mimari olarak çadır içerisinde kullanılan malzemelerden etkilendiğini söylemek

---

\* Dr. Öğretim Üyesi, Aksaray Üniversitesi Fen Edebiyat Fakültesi, Tarih Bölümü, Aksaray/ Türkiye, Vahid.soofizadeh@gmail.com, <https://orcid.org/0000-0001-8973-3144>

mümkündür. Selçuklu dönemi mimari eserlerinin bir diğer özelliği ise minare kullanımudur. Selçuklu Devleti döneminde yapılan camilerde çok sayıda minare bulunmaktadır. Farklı mezhep çekişmelerine sahne olan bu dönemde cami ve medrese yapımı daha fazladır. Nedeni ise halk arasında diğer ideolojilere göre daha çok göze gelme çabasıdır. Selçuklu Devleti'nin yarattığı güven ortamı neticesinde ticari yolların daha güvenli hale gelmesi ve bunun neticesinde inşa edilen kervansaraylar, bu dönemin mimari eserlerinde ortaya çıkaran bir özelliktir.

•  
**Anahtar Kelimeler**

Mimari, Selçuklular, Sanat, Kültür, İran

•

**Abstract**

At the end of the X. century and the beginning of the XI. century, the Oghuzes first moved to the former Khorasan region and then to the center of Iran. Turkmens, who were the founders of the Seljuk dynasty, reached the pinnacle in subjects such as Islam, science, architecture, and art because they ensured political and economic confidence and success in the regions they dominated.

Many architectural works such as mosques, madrasas, libraries, cottage houses, and caravanserais were built during the Seljuk period. With the combination of pre-Islamic Iranian art and Islamic art, an architectural style with different features emerged during the Seljuk dynasty period. The Great Seljuk dynasty, which spread over a wide geography, had produced similar architectural works in Anatolian lands, too. Iwan is one of the architectural structures that existed during the Seljuk dynasty and later passed to the Ottoman dynasty. Generally, the courtyard and the places where the outer part of the building is seen as semi-closed are considered features of this period. Due to the climate conditions, the iwan is always located on the outside of the building and is more useful in different seasons of the year compared to the atrium.

Another feature of this period is the presence of buffed bricks in the architectural works of the period. Since the lands where the Great Seljuk and Anatolian Seljuk dynasty were established are earthquake areas, the materials used in the architectural works were adjusted accordingly. It is possible to say that Oghuzes were influenced by the materials used inside the tents in terms of shape and interior design since they lived in a semi-nomadic lifestyle before they came to the Khorasan regions. Another feature of the Seljuk period architectural works is the use of minarets. Many minarets were used in the architecture of mosques in the Seljuk dynasty period. In this period, which witnessed different sect conflicts, the construction of mosques and madrasas were more. The reason was the effort to come in contact with the people more than other ideologies. Commercial roads became safer as a result of the trust environment created by the Seljuk dynasty and the caravanserais built as a result of this are a feature that emerges in the architectural works of this period.

•  
**Keywords**

Architecture, Seljuks, Art, Culture, Iran



### مقدمه:

تاریخ دوره زمامداری سلجوقیان، یکی از پر دامنه ترین ادوار بحث برانگیز تاریخ تمدن اسلام در جغرافیای ایران را داراست. طایفه ترکمان سلجوقی که در مواقعی با سبک کوچ نشینی و بعضاً نیمه کوچ نشینی زندگی میکردند. هنگامی که مسلمان شدند و بر سریر امارت اسلامی تکیه زدند، به نحو شگفت انگیزی به حامیان دانش و فرهنگ و هنر تبدیل شدند. در روزگار سروری ایشان بر ممالک اسلامی، وزیران و دانشوران کوشنده و فرهیخته مجال یافتند تا بر میزان حمایت از رشد علوم و معارف و ترویج ادب و هنر بیافزایند. نه تنها دولتمردانی مانند: کندی، نظام الملک و درگزینی، که بزرگانی چون: سنائی، ناصر خسرو، غزالی و... در این زمانه به پویش و نگارش میادرت کردند. سلجوقیان زبان فارسی را زبان رسمی قرار دادند و بنیادگذاری مدارس علمی در شهرهای مختلف، به ایجاد کتابخانه ها، خانقاه ها منجر شد، همان گونه که توسعه راهها و ارتباط بین شهرها به ساخت سازه های متعددی چون کاروانسراها و بناهای عام المنفعه منتهی گردید. دوره سلجوقی از نظر پیشرفت صنعت و هنر نیز دوره ای مهم به شمار می رود. معماری، گچبری، سفالگری، کاشی کاری، پارچه بافی، فلزکاری و دیگر صنایع احیاء شد و فرآورده های آنها تا دورترین نقاط و سرزمین های قلمروی پنهاور آل سلجوق رفت.

درباره موضوع این پژوهش، یک کتاب مستقل از غلامعلی حاتم (1379) به نام «معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان» موجود است که به بررسی خصوصیات عمده معماری دوره سلجوقی و توصیف بناهای مهم این دوره پرداخته است. اما این اثر با کاستی هایی روبرو است. از جمله تکیه بر مقبره های عهد سلجوقی و غفلت از انواع متعدد سازه های معمارانه این عصر. مقاله شرودر (1378) در کتاب «سیری در تاریخ هنر ایران» هرچند کارشناسانه است، اما از تحلیل درباره کلیت معماری این عهد تهی است. مقاله علی مازندرانی (1394) با عنوان «معماری مستحکم سلجوقی» نیز در بخشهایی مانند تحلیل کالبدی مساجد، بسیار مختصر است و صرفاً به ارائه کلیات بسنده کرده است. مقاله یوسف زمانی و همکارانش (1396) با عنوان «واکاوی آثار معماری و اقدامات عمرانی نخستین حکمرانان سلجوقی براساس منابع مکتوب از سال 429 تا 465 ه.ق.» هم، صرفاً دوره میانی قرن یازدهم (5 ه.ق) را بررسی کرده و تمام دوره زمانی سلاجقه را در بر نمی گیرد.

### فرهنگ و هنر در عهد سلجوقیان

دوره سلجوقی یکی از ادوار درخشان هنر ترک-اسلامی و ایرانی است. از آن جا که جغرافیای ایران زمین مرکز اصلی استقرار دولت بزرگ سلجوقی بود، وجه فرهنگ و ذوق ایرانی در هنر این عهد بیش از جوهر اسلامی و دینی آن هویدا است. این امر را می توان از مقایسه هنرهای موجود در مناطق تابعه سلاجقه، چون آنتولی و عراق با هنر عهد سلاجقه بزرگ دریافت. ضمن این که هنرهای دیداری مناطق عربی غرب ایران دارای مؤلفه های خاص خود بوده و در آنها سنتهای محلی نقش بایسته ای داشتند.

نکته مهم آن است که هنر عهد سلجوقی که از سفالگری تا فلزکاری و کتاب آرایی تا معماری تنوع و جریان داشت، دوره اش پیش از ظهور سلاجقه شروع شد و در نتیجه، باید همچون تفاوت سالشمار سبکهای هنری با دوره بندی تاریخ سیاسی (هامبلی و همکاران، 1383، ص 158) آن را تنها در چهارچوب تاریخ عهد سلجوقی نگاه و بررسی نکنیم. بلکه توجه داشته باشیم که این هنر یا سبکهای هنری دوره های قبل و بعد از خود، در پیوست قرار دارد. چنان که فی المثل کارشناسان، معماری سلجوقی را بخشی از سبک و دوره رازی می دانند و بر معماری سلجوقی به طور اخص تأکید ندارند. در سبک رازی یا به تعبیری چهارمین شیوه معماری ایران که تمامی ویژگیهای خوب شیوه های قبلی را به بهترین صورت دارا بوده است «تأثیر پذیری از شیوه پارسی و شکوه شیوه پارتی و دقت شیوه خراسانی دیده میشود. آغاز شیوه رازی هرچند مربوط به شمال ایران است، اما در ری رواج می یابد و بهترین

آثار در آنجا ساخته میشود (پیرنیا، 1387، ص 157). افزون بر این، برای بررسی بهتر هنر عصر سلجوقی، نیازمند آنیم که از روند حاکم بر فضای فرهنگی تمدن اسلامی و فراز و فرود جریان علمی در قرون دهم و یازدهم میلادی (چهارم و پنجم ه.ق)، مطلع باشیم. می دانیم که بعد از اوج گیری نهضت علمی و فرهنگی تمدن اسلامی در قرون نهم و دهم (سوم و چهارم ه.ق)، ستیز با خردگرائی و استیلای تفکر مذهبی، موجب شد تا جریانهای عقل ستیز، فضای تسامح گرایانه جهان اسلام را به سمت تعصب و تصلب پیش ببرند و علوم محض و فلسفی به بهانه به چالش کشیدن ایمان دینی، با مخالفت متعصبان و قشریون روبرو شود. از همین رو، یکی از مسایل مهم قرن یازدهم (پنجم ه.ق)، توقف رشد و حرکت علوم عقلی به ویژه فلسفه و منطق و رکود خردگرایی است که زمینه های این ایستائی فرهنگی از زمان غزنویان فراهم شده بود (سلیم، 1383، ص 12).

در قرون دهم و یازدهم (5 و 6 ه.ق) و مقارن با استیلای سلاجقه بر نواحی اصلی جهان اسلام، علی چون: جهت گیری های مذهبی سلاجقه، سیاست حکومتی خلفای عباسی بعد از متوکل، محافظه کاری رجالی مثل خواجه نظام الملک، سرکوب معتزله، تسلط کلام اشعری، مخالفت علما و فقها و حتی ادیبان با فلسفه و علوم عقلی موجد تشدید رکود و فترت جریان خلاق فرهنگ ایرانی-اسلامی شد. بالتبع، هنر نیز باید از این جریان تأثیر می پذیرفت. اما نکته ای که کمتر بدان توجه شده است، این که با وجود چنین فضای متشنجی، حتی در دوره نخستین سلاجقه و در شرائط پویای سلاطین اولیه برای استقرار و ثبات حاکمیتشان، باز هم، دودمان سلجوقی به هنر و معماری و علم عنایت داشتند. چنان که بر اثر مطالعه مستندات تاریخی، محققان دریافته اند که «سلاجقه در دوران آغاز حکمرانی، برخلاف ماهیت نظامی خود و حتی پیش از عصر طلائی ساخت مدارس و مساجد در انتهای قرن پنجم و آغاز سده ششم ه.ق، در اکثر شهرهای مهم ایران و عراق، ...، انبیه متعدد و بالاخص مدارس و مساجدی برپا نموده اند که میتوان به عنوان سندی بر تثبیت حاکمیت سلجوقی و اعلان برآمدن قدرتی جدید و همچنین اثبات اخلاص ایمان دینی سلاجقه و...تفسیر شود؛ هر چند که عمده این آثار، بر اثر تخریبهای طبیعی و انسانی در دوره های بعد از میان رفته اند» (زمانی و همکاران، 1396، ص 240).

در دوران سلاجقه، صنایع و معماری نه تنها در داخل ایران، بلکه به خاطر فتوحات سلجوقیان، تا سواحل مدیترانه و حتی شمال افریقا بسط داده شد. از جمله نمونه های معماری سلاجقه روم، که سرمشقی شدند برای معماران عثمانی (هوک و همکار، 1375، ص 88-87) و توسعه این سبک تا حوالی اروپا نیز پیشرفت داشت. در نتیجه، ایجاد یک امپراتوری گسترده و وحدت سیاسی باعث شکوفایی علوم دینی و فنون و هنرها شد. از این روست که این عصر را می توان دوره درخشان تلفیق معماری ترک و ایرانی دانست، زیرا هنر معماری شکوفا شد و به درجه کمال رسید و هنرمندان و معماران چیره دست آثار فراوانی به وجود آوردند.

#### معماری عهد سلاجقه

به نظر می رسد که سهم چشمگیر سلجوقیان در معماری ایران، بیشتر در استقرار نهایی شماری از قالبهای کهن معماری ایرانی و نیز در شایستگی هنرمندانی است که تنوع دل انگیزی به معماری این عهد داده اند. از جمله تأثیر پذیری از معماری باستانی و سبک پارتی که به بارزترین وجهی خود را در اقتباس از گنبد عهد ساسانی برای جلوه دادن مساجد عهد سلجوقی بروز داده است. با توجه به فراهم آوری عرصه ارائه نمادین اعتقادات و فرهنگ اسلامی توسط عناصر معمارانه در مسجد، نظیر: محراب، گنبد، مناره و...، هر کدام از اشکال بصری و سمبلیک مساجد، می تواند به عنوان بیان کننده هویت قدسی خانه خدا در نظر گرفته شوند. در کنار این بخشها و عناصر، آرایه های تزئینی هم برای تکمیل روند هویت بخشی و جلوه گری، به کمک اجزای کالبدی مساجد می آیند. حقیقتی که در مساجد عهد سلجوقی، از جهت پردازش توأمان اجزا و آرایه ها قابل تأمل می باشد.

در نگاه اول، هنر عهد سلجوقی در به کارگیری گنبد دوپوسته، فضای داخلی و قالب خارجی قابل تعمق است. گنبد داخلی نیمکره ای ساخته شده، ولی گنبد بیرونی به شکل بیضی نسبتاً نوک تیزی اجرا می شد. هر چند برخی

کارشناسان فرضیه ای را مبنی بر انطباق شماری از مساجد این دوران با آتشکده های باستانی و در امتداد قیله و مرکب از یک گنبد یا ایوان واحد ارائه داده اند (گذار، 1367، ص 78)، اما گروهی دیگر بر آنند که این فرضیه را نمی توان دلیلی بر وجود پیوند میان کاربرد گنبد و ایوان در روزگار باستان و دوره سلجوقیان دانست (انتیگهاوزن و همکار، 1384، ص 80).

عناصر عمده معماری شامل گنبد، طاق و طاق نما، گلدسته، ایوان، رواق، مقصوره، محراب، گوشواره، قوس و... بودند، عناصری که بسیاری از آنها در هنر مساجد عصر سلجوقی نمایان است. نه تنها در استفاده از فرم گوشواره و گنبد برای مساجد (رکوعی، ص 169)؛ بلکه در رویکرد به مساجد چهار ایوانه، به جای دو ایوانه که تا آن زمان مرسوم بود، اندیشه این نکته که معماران سلجوقی از معماری قبل از اسلام ایران زمین تأثیر گرفتند نیز به نوعی صادق است. استفاده از ایوان در مساجد سلجوقی تداعی کننده محوطه بناهای سبک پارتی بود که بعدها به ساختن شبستان گنبد دار منتهی شد و بر شکوه بنا افزود (ورجاوند، 1356، ص 16). پس، در روزگار سلطنت سلجوقیان بود که سبک ساختمان مساجد با ایوان های چهارگانه در ایران مرسوم شد. قدیمی ترین مسجد چهار ایوانه ایران، یعنی مسجد جامع زواره در سال 1135 (530 ه.ق) مربوط به همین دوران است (گذار، 1367، ص 117). لازم به ذکر است که برخی مساجد دو ایوانه هم در این دوره ساخته شدند که قابلیت تبدیل به چهار ایوانه داشتند؛ مانند مسجد جامع اردستان که هفت عنصر ساختمانی یا در واقع، هفت شاخصه اصلی شهر سنتی، یعنی مسجد جامع، مدرسه، حمام، حسینیه، کاروانسرا، راسته بازار و آب انبار را یکجا در خود دارد (عسگری، ص 54-55). معماران سلجوقی، به واسطه دانش تجربی خود، با تجربه جسورانه و مشاهده هوشیارانه شکستها، «در سده ششم هجری، آنچه را که میتوان گنبد دلخواه خواند، در عمل ساختند، که با پیشرفت علم ریاضیات در قرن هیجدهم در غرب نیز ساخت آن ممکن شد» (شرودر، 1387، ص 1216). معماران سلجوقی با حذف چند ردیف از ستونهای شبستان و ایجاد چهارتاقی گنبدداری که جهت محراب را نیز نشان می داد، جهت قیله را مشخص کردند. بدین ترتیب این مرکز عبادی همراه با ایوان جلوی آن مجموعه کاملی را در مساجد ایجاد نمود. که بعدها در سایر کاربریها چون: مدارس، کاروانسراها و... نیز مورد استفاده قرار گرفت.

طرح چهار ایوانی، ویژگیهای ارزنده ای را وارد معماری ایرانی کرد. نخست ایوان را به عنوان فضایی نیمه باز و حد واسط بین فضای بسته داخل و باز حیاط قرار داد که باعث شد اصل سلسله مراتب دسترسی از فضای باز به بسته رعایت شود، ضمناً مانع از تبادل شدید حرارتی به فضای باز و بسته گردید. ویژگیهای اقلیمی مناطق مختلف تحت سلطه دولت سلجوقیان به گونه ای بود که بسیاری از ماههای سال زندگی و کار در ایوان دلچسبتر از فضای باز یا بسته می باشد. قرارگیری ایوان در جوانب مختلف حیاط کاربرد آن را برای اوقات مختلف روز و سال مناسب می کند. بسیاری از طرحها به همین دلیل با ویژگیهای اقلیمی ایران همساز شد و برای سالها اساس نقشه معماری ایران قرار گرفت (متدین، 1378، ص 87). از جهت تاریخی اولین مسجد از نوع چهار ایوانی که در دوره سلجوقی بنا شد مسجد جامع زواره را میتوان نام برد که در کتیبه این مسجد سال بنای مسجد به تاریخ 1135 (530 ه.ق) دوره سلطان سنجر دانست. (متدین، 1378، ص 85) البته ارنست دایز (Diez) معتقد است چنین فرمی اولین بار در مدرسه ظهور پیدا می کند. مدرسه ماهبتاً نمی تواند ریشه ایرانی داشته باشد بلکه اصل آن ترکی است. به نظر وی مسجد ایرانی در پذیرش این الگو مقلد مدارس ترکهای سلجوقی بوده است. (متدین، 1378، ص 85). از جمله کاربرد وسیع آجر در بناهایی چون مسجد جامع اصفهان، پوشاندن دیوارها با گچبری های منقوش در سازه هایی نظیر؛ مساجد جامع اردستان، نائین و زواره و نیز نقوش مندرج بر گنبدخانه هایی چون: گنبد مسجد جامع قزوین، که همگی متأثر و ملهم از آرایه بندی معماری دوران اشکانی و ساسانی بوده اند. البته، در جزئیات، برخی کارشناسان معاصر، این فرضیه را هم مطرح کرده اند که به نظر می آید آجرچینی های پیچیده در دوره سلجوقی به ایران مرکزی آورده باشند. (شرودر، 1387، ص 1244). این گونه به نظر می آید که بیشترین کاربرد آجر های تراش خورده، به صورت

گره سازی آجری در محرابها و مناره های عهد سلجوقی بوده است. هم چنان که، بیشترین کاربرد آجرهای مَهری، در طرجهایی است که چند شکل مکرراً در یک طرح تزئینی مانند نقوش گره هندسی، وجود دارند (شکفته و همکاران، 1394، ص 88).

از اواسط قرن سوم، روش ساخت بنا با آجر تحت تأثیر هنر بین النهرینی در بغداد و سامرا به اوج خود رسیده بود و معماران عهد عباسی، که این سنت را از ساسانیان و معماری قصرهای آنان، خصوصاً قصر تیسفون اخذ کرده بودند و شاید الهاماتی هم از آثاری قدیمی تر، مثل زیگورات چغازنبیل داشتند، این سبک را به معماران سلجوقی وام دادند. هر چند، باید به این نکته نیز عنایت داشت که استفاده از آجر در ایران به دلیل جغرافیای زلزله خیز منطقه، ضرورت داشت زیرا سازه های انعطاف پذیر آجری و قوس های مهندسی و مقاوم در برابر لرزه ها، سازگاری بیشتری با اقلیم ایران داشتند. افزون بر این، خاک مناسب در همه جا یافته می شد و در قیاس با سنگ، قیمت ارزان آجر و شکل گیری راحت بناهای آجری یک ارجحیت به شمار می رفت.

همانند جریان علمی، معماری سلجوقی را هم باید ادامه دهنده سبک و سیاق معماری دوره های قبل و سبک رازی دانست. با این حال، به نظر می رسد که برخی شاخصه های سنن عشایری سلجوقیان ترک زبان در معماری این عهد نمود و بازتاب یافته است. از جمله، برج های خرقان که گزینش محل آنها به عنوان مراتع و چراگاههای عالی به عنوان زمین های اردوگاه مورد توجه قبایل ترک به شمار میرفته (افشار، 1397، ص 145) و نیز، به کار گیری مصالح تهیه شده در ساخت بنا و حتی تزئینات آجرکاری برج ها که شباهت به چارچوبه های سقف نم‌دین چادرنشینان دارد، نشان از تأثیر پذیری فرهنگ ترکمن های سلجوقی در معماری ایرانی دارد (عطار زاده و همکاران، 1394، ص 6993). شایان ذکر است که برجهای خرقان که اولین نمونه های گنبدهای گسسته نار بودند، بر اثر انتقال فرم گنبد گسسته از مناطق شمالی ایران پدید آمدند. فرمی که بارزترین نمونه آن گنبد قابوس بود (پیرنیا، 1387، ص 159-160).

هم چنین، دوران سلجوقی را می توان دوره درخشان در احداث مناره به حساب آورد. نه تنها دامغان، اصفهان و سمنان از این دوران، آثار گرانبهایی در خود دارند، بلکه نمونه های مناره های منفرد در: سبزوار، کلات، تایباد، قم، ساوه، کاشان، کرمان، نائین، گلپایگان، بسطام و بسیاری از شهرها و قصبه های بزرگ قابل مشاهده اند. از جمله مناره مسجد سرخ ساوه به تاریخ 1061 (453 ه.ق) که کهن ترین مناره تاریخ دار کشور می باشد و مناره مسجد علی اصفهان، مناره ساریان اصفهان، مناره مسجد جامع سمنان و ... (ملازاده و همکار، 1378). اما شاید بارزترین نمود تأثیر پذیری معماری این عصر از نظام تمدنی سلجوقیان را در تعدد ساخت مدارس و مساجد بتوان دید. زیرا دوران سلجوقی، یکی از ادوار مهم تشدید منازعات فرقه ای و اعتقادی است. شاید بر اثر تأثیر فضای شدیداً مذهبی دوره سلجوقی باشد که گفته شده: «در بناهای مذهبی سلجوقی ایران گونه ای تدین غریب مشهود است که بنظر می رسد آینه عصری مذهبی باشد» (شرودر 1387، ص 1250). در این دوران، پیروان هر فرقه و گروه تلاش داشتند تا با ساخت مسجد و مدرسه ویژه خویش، خود را از فرق رقیب متمایز کرده و امتیازاتی برای خویش تحصیل کنند. به خصوص که دولتمردان سلجوقی هم به این تنش ها دامن می زدند. اگر حواجه نظام الملک توسی با پشتیبانی از شافعیان، مدارس نظامیه را پایه ریزی نمی کرد، مدرسه های متعدد با بخشهای مختلف کالبدی چون: حجره ها، کتابخانه، حمام، مطبخ و... ساخته نمی شد. هر چند قبل از نظام الملک نیز مدارسی غیر دولتی در دوره طغرل سلجوقی ساخته شده بود. به همین جهت با استقبال عظیم مشتاقان دانش به این مدارس، لزوم پذیرانی از طلاب، توسعه فضای مدرسه را اجتناب ناپذیر می کرد (کسانی، 1363، ص 112).

توسعه راه ها و تضمین امنیت تبادل کالا در سایه اقتدار سلجوقیان بزرگ، باعث تأسیس و ترمیم کاروانسراها شد. رونق جاده ابریشم و شوارع تجاری سبب شدند تا کاروانسراها و بناهای وابسته به آن، مانند، آب انبارها، یخچالها و بناهای عام المنفعه مورد توجه حکومت قرار گیرند. ساخت این کاروانسراها که ریشه در دوره های گذشته داشتند،

به صورت محوطه هایی با چهار ایوان در دور تا دور حیاط باز مرکزی و به شکلی ساده و بی پیرایه در این عصر هم ادامه یافت و همراه با برج ها، حجره ها، اصطبل ها، آب انبارها و سایر بخشهای آن، پذیرای مسافران و سوداگران شد. در حقیقت، استقرار شحنة های حکومت سلجوقی و تأکید دیوانسالاری بر لزوم حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی، منجر به توسعه خطوط ارتباطی و در نتیجه، ایجاد بناها و مؤسسات خدمات رسانی، امنیت و گسترش نظام بازار در قلمرو پهناور ایران شد (یوسفی فر، 1390، ص 60).

در مورد کاروانسراها باید گفت: همان گونه که سبک چهارایوانی از سبکهای غالب عصر سلجوقی در انواع گوناگونی از بناها نمود یافته بود، کاروانسراها نیز از این قاعده مستثنی نبوده و اکثراً بدین سبک بر پا می گردیدند. هر چند، گاه سبکهای متفرقه دیگری نیز به کار بسته می شد. این امر نیز مدیون خصوصیت دوگانه یا چندگانه کارکرد کاروانسراها بود که گاهی در نقش های نظامی و دفاعی و گاهی هم، در کارکردهای حکومتی جلوه می کردند (کیانی و همکار، 1362). ویژگیهای شاخص برخی از این کاروانسراها، که در نوع پلان و تزئینات بسیار پرکاربرد تجسم یافته اند، برای همیشه خاص این دوره باقی ماند و با وجود ساخت نمونه های باشکوه در ادوار بعد، همچنان بی بدیل مانده اند. از میان کاروانسراهای برجسته دوران سلجوقی می توان به اینها اشاره داشت:

1- **رباط شرف**: در شمال شرقی توس یا مشهد کنونی و بر سر شاهراه کهن خراسان به ماوراءالنهر قرار داشت و بانی آن، ابوطاهر قمی وزیر سلطان سنجر سلجوقی بود. این بنای زیبایی آجری از دو حیاط چهارایوانی تشکیل شده که هرکدام از حیاط ها دارای سردرهای ورودی تزئینی پرکار می باشند. دور تا دور دو حیاط رواقهایی وجود داشته و در پشت آن، اتاقها و تالارهایی قرار گرفته اند. ساختمانهای اصلی و شاخص تر در طرفین ایوان بزرگ شمالی واقع شده و در چهار گوشه آن دو تالار گنبد دار و دو تالار ستوندار ساخته شده است (سیرو، 1349، 97 و 193). کاروانسرای شرف از لحاظ نوع و چگونگی تزئینات و ترکیب بی بدیل انواع طرحهای آجرکاری، گچبری و تلفیقی، در زمره یکی از شاخص ترین آثار دوره سلجوقی و از زیباترین بناهای ایران اسلامی به شمار می آید.

2- **رباط زعفرانیه**: در سمت شرقی سبزوار و در مسیر به سمت نیشابور قرار داشته، اما امروزه اثری از آن باقی نمانده است. مانند رباط شرف، از دو حیاط تشکیل شده و دارای تزئینات بی شماری بود. نیز، همراه بناهایی چون: بازار، مسجد، حمام و... مجموعه ای بی مانند را تشکیل می داد. وجود تأسیسات متعدد پیرامون بنا، حجم گسترده تزئینات و ابعاد وسیع و نوع پلان کاروانسرا، این احتمال را ایجاد کرده که رباط زعفرانیه هم مانند رباط شرف، کارکردی فراتر از یک کاروانسرا معمولی داشته است.

3- **رباط ماهی**: کاروانسرای مذکور در شرق مشهد قرار داشته و از تأسیسات راه نیشابور به مرو می باشد. اکثر بخشهای این کاروانسرا فرو ریخته است. اما بر اساس مطالعات و بازسازی های گرافیکی، مشخص شده که فضای معماری رباط ماهی مشتمل بر شاه نشینی بر فراز ورودی، چهار ایوان در چهار ضلع بنا، حجره هایی در اطراف حیاط مرکزی و اصطبل هایی در پشت حجره ها بوده است (لباف خانیکی و همکاران، 1392، ص 283). علاوه بر این رباطها، مجموعه های کاروانی دیگری چون: رباط انوشیروان، رباط دیرکاج، رباط سنگی علی آباد و... در بخشهایی از مناطق مرکزی ایران و در مسیر شوارع تجاری قابل ذکر و توجه اند. اهمیت این کاروانسراها از آن جهت است که هنوز از جاذبه گردشگری و تغییر کاربری برای اهداف توریستی را دارا هستند.

### تزئینات و آرایه های معمارانه

تردیدی نیست که هنر ایران غالباً دارای ویژگی اصلی تزئینی بوده است؛ ویژگی که در معماری، بیشتر خود را نشان می دهد. پس، در این جا هم علاقه به سطوح تزئینی با علاقه به اشکال ساختمانی برابر بوده و تزئینات در ارتباط اجزاء با کل ساخته می شدند. به علاوه، زیبایی شناسی هنر و معماری ایران بر اصل تزئین استوار است، از این روست که کارشناسان معتقدند، معماری اسلامی «معماری فرم» نیست و درنمایه های آن بیشتر در قالب تزئینات مطرح می شود (ادریسی خسروشاهی، 1386، ص 44). بزرگترین نوآوری موجود در بناهای سلجوقی

تزئین دیوارها با لوح و کاشیکاری می باشد. در واقع، این دوره را می توان سر آغاز استفاده از کاشی های رنگارنگ در معماری و زمینه ای برای رونق و پیشرفته تزئینات در دوره های بعدی خواند و صاحب نظران هنر معماری معتقدند؛ اوج معماری سلجوقی بیش از آن که در تزئینات ظاهر شود، در تناسب و شکل ساختمانها نمود پیدا کرد (حلمی، 1383، ص 187).

شایان ذکر است که این نظام تزئینات تا روزگار سلجوقیان تک رنگ بود و تنها نقطه اتکای آن، سایه روشن های ناشی از تابش آفتاب بر پستی و بلندی نمای بنا بود. به تدریج، استفاده از آجرهای لعاب دار رواج یافت و نقوش رنگی پدید آمدند. در نتیجه، نمای ابنیه مسطح و یکنواخت شد و نقوش، دیگر برای خودنمایی به تابش خورشید و سایه روشن حاصل از برجستگی ها نبودند. در آجرهای لعابی، نقش مایه های زیبا به فرم های چهارگوش و چند وجهی و ستاره ای و شبکه های به هم تابیده و پیوسته در متن و حاشیه تزئینی پدید آمدند. لعاب آبی و سیاه در تمام سطوح تخت و مقعر به کار رفت و معماری را از حصار آجرهای تک رنگ رها کرد (شکفته و همکاران، 1394، ص 99). برخی از بزرگترین شاهکارهای آجرکاری معماری ایران، مثل آجرکاری حصیری یا بادبزی بر روی برجهای خرقان (عسگری، ص 45) و نیز آجر کاریهای شگفت انگیز و مستحکم مسجد جامع اصفهان، گواه شکوه هنر آجرکاری در معماری دوره سلجوقی هستند.

اما این تازه شروع ماجرا بود. اندکی نگذشت که در روند تحول معماری سلجوقی، عناصر رنگین گسترش یافتند و نه تنها در قاب های بزرگ پیرامون ایوانها، بلکه در آرایه های مبتنی بر نوشتار انتزاعی نیز ظاهر شدند. این نوشتارها در ابتدا تجسمی از نامهای الله، محمد و علی بودند؛ ولی آیات قرآنی نیز در این فرم ظاهر شده و روی دیوارها و قابهای زینتی و پیرامون ایوان و تنه مناره ها نقش بستند. این نوشته ها، نه تنها نقش زینتی بودند، که وجهی نمادین به مسجد می بخشیدند و آن را از یک مکان صرفاً عبادی به نمایشگاهی آکنده از مظاهر دینی بدل می ساختند. به دلیل اهمیت قرآن و شاید هم استیلای تفکر مذهبی و مقبولیت قرآن در نزد همه گروههای مسلمان، رشته نوشتارهای قرآنی به خط کوفی بر لبه قوسها و کتیبه های بناهای دوره سلجوقی ظاهر شدند. متونی که هم نقش زینتی داشتند و هم پیام الهی را به مؤمنین متذکر می شدند. هرچند، گاهی اوقات، اطلاعاتی از قبیل تاریخ برپایی بنا و نام سلطان با کارفرمای اثر نیز در این کتیبه ها درج می شد. نقوش به کار رفته در گچبری ها یا به صورت دستی و یا قالبی شکل می گرفت. نقوش تزئینی مشابه آن چه در مسجد نائین به چشم می خورد. اما لازم به ذکر است که گچبری ها برگرفته از نقش مایه های بناهای سامرا و آن نیز، ملهم از نمونه های ساسانی، نظیر طاق بستان هستند.

در مجموع، از دیدگاه برخی نویسندگان، شاخصه های عمده تزئینات معماری سلجوقی بدین قرارند:

- سعی در حفظ ارتباط بین بنا و اشکال تزئینی و ایجاد وحدت واقعی میان مصالح و سبک ساختمان سازی.
- بکارگیری تزئینات در فضای داخلی و خارجی به روش و شکلهای مختلف.
- بهره مندی از اصول معنوی زمان خود.
- مهارت و تنوع در تزئینات آجری از لحاظ گون؛ چیدمان و ایجاد قرنیهای آجری و کتیبه های زیبا.
- ابداع مهرهای تزئینی بین آجرها «توپی گچی ته آجری» بعنوان تزئین خاص این دوره.
- کاربرد روشهای متنوع گچبری در تزئین نماهای داخلی بناها (گچبری مسطح، توپر و توخالی، برجسته و...).
- بکارگیری تزئینات گچبری روی نمای ساختمانی و طاقها، دیوارهای مناره ها و صحن ها.
- بکارگیری گسترده از گچ در فضای درونی و تزئینات مقرنس.
- کاربرد نقش مایه های مختلف در تزئینات گچبری، نقوش هندسی، اسلیمی و گل و بوته، کتیبه ایی و نقوش لانه زنبوری.

- استفاده از رنگ در تزئینات گچبری (رنگ لاجوردی سفید نخودی و قرمز)  
 - بکارگیری کاشی در تزئینات بیرونی ابنیه (علی پور، 1394، ص 131).



این نکته را نیز بیافزاییم که معماری سلجوقی چه در ساختار کالبدی و چه در آرایه های بیرونی، از نقش مایه ها و مصالحی استفاده کرد که متناسب با شرائط زمان بود. از جمله نقوشی که بر اساس معتقدات اهل سنت، جنبه انسانی یا حیوانی نداشت و یا از گچ و ساروج و سنگ، که ارزان تر از کاشی بود، بهره گرفت.

### نتیجه:

حائز اهمیت است که با وجود مشکلات عدیده ای که در دهه های نخست سده یازدهم (5 ه.ق) در زمان ورود اغزها و سلاجقه به خراسان و ایران رخ نمود و منابع تاریخی از آن به عنوان دوران محنت و ترکنازی یاد کرده اند، اما به دلیل تعهدی که سلجوقیان به تأمین امنیت قلمروی تازه تأسیس خود و جلب رضایت همه گروههای اجتماعی برای کسب مشروعیت توأمان سیاسی و مذهبی احساس کردند، شرائط برای عمران و آبادانی و نیز هنرپروری و ساخت و ساز مهیا شد. حتی با وجود تنشهای فرقه ای، وزیران و امیران سلجوقی، هم به جهت ابراز دینداری و هم برای جلب نظر نحله های مختلف، به احداث ابنیه هایی چون مدارس و مساجد و مرمت آثار کهن مبادرت کردند. با یک بررسی اولیه هم می توان فهمید که معماری عهد سلجوقیان از استحکام و زیبایی خاصی برخوردار بوده است. گرچه حدود یک هزار سال از این دوران می گذرد، اما یادمانهای باقیمانده آن عهد، نشان دهنده مهارت و استادی هنرمندان و استادکاران و آگاهی آنان از شیوه های گوناگون معماری است. علاوه بر نقش آفرینی هنر و ذوق سلجوقیان، باید اذعان کرد که شکوفایی هنر و معماری قرون یازدهم و دوازدهم (5 و 6 ه.ق)، مدیون آرامش و ثبات سیاسی در قلمرو سلجوقیان هم بوده است که فضای مساعد و حمایت مالی و معنوی را برای تردستی هنرمندان فراهم آورد. نیز تردید نیست که این هنر و معماری از آبخشور میراث هنری و فرهنگی مکاتب و سبکهای پیشین بهره ها گرفته است و در امتداد خط سیر تحول و تطور هنر ایران قبل از اسلام و دوره اسلامی گام برداشته است. از جهت تحولات معماری، دوره سلجوقی را می توان اوج هنر آجرکاری دانست. همان طور که از جهت درج آرایه های شکیل و هندسی بر روی مناره ها و آجرها، این دوره شاخص است. معماری سلجوقی با الهام از سبکهای دوره گذشته، به نوآوریهای دست زد و باعث شد تا نقوش و تکنیکهای تزئینی به سمت تکامل تدریجی تا قرون هفتم و دهم پیش روند.

جای بسی خوشوقتی است که شمار زیادی از بناهای دوره سلجوقی برجای مانده اند. این سازه ها که بیشتر جنبه مذهبی دارند و اکثراً شامل مساجد، مقبره ها، مناره ها و کاروانسراها می باشند؛ ظاهراً بدین علت از گزند ایمن مانده اند که جنبه عام المنفعه داشته و یا معمولاً به صورت وقف در می آمدند و بانایانی و وقفنامه های مدون داشته اند. به این علت از گزند روزگار در امان مانده اند. همان گونه که کارشناسان معتقدند، معماری ایرانی قبل از اسلام با دوره اسلامی تمام مدت و به طور خستگی ناپذیر، درگیر تجربه آموزی با فرمهای جدید نبود، بلکه به بهسازی فرمهای موجود و تکمیل آرایه های بیشتر همت می گماشت. در نتیجه، برآمدن و درخشش معماری سلجوقی ناگهانی و تصادفی نبود، بلکه تلفیقی از تجلی رستاخیز هنر ایرانی قبل از اسلام و دوره اسلامی بود که در زمان سلجوقیان به اوج رسید. و شوربختانه، با وجود ادامه روند ساخت آثار هنری عالی در قرن دوازدهم (6 ه.ق) دچار انحطاطی زودرس شد، با آمدن مغولان به یکباره فرو ریخت و تا روزگار تأمین امنیت و گسترش ثبات، از خلاقیت واماند.

### EXTENDED SUMMARY

At the end of the X. century and the beginning of the XI. century, the Oghuzes first moved to the former Khorasan region and then to the center of Iran. Turkmens, who were the founders of the Seljuk dynasty, reached the pinnacle in subjects such as Islam, science, architecture, and art because they ensured political and economic confidence and success in the regions they dominated.

Many architectural works such as mosques, madrasas, libraries, cottage houses, and caravanserais were built during the Seljuk period. With the combination of pre-Islamic Iranian art and Islamic art, an architectural style with different features emerged during the Seljuk dynasty period. The Great Seljuk dynasty, which spread over a wide geography, had produced similar architectural works in Anatolian lands, too. Iwan is one of the architectural structures that existed during the Seljuk dynasty and later passed to the Ottoman dynasty. Generally, the courtyard and the places where the outer part of the building is seen as semi-closed are considered features of this period. Due to the climate conditions, the iwan is always located on the outside of the building and is more useful in different seasons of the year compared to the atrium.

The Seljuk period is one of the brilliant periods of Turkish-Islamic and Iranian art. The formation of the Great Seljuk and Anatolian Seljuk dynasty by the Turkmen led to the creation of almost similar architectures in the geography of the two governments. Many architectural works such as mosques, madrasas, libraries, cottage houses, and caravanserais were built during the Seljuk period. With the combination of pre-Islamic Iranian art and Islamic art, an architectural style with different features emerged during the Seljuk dynasty period. The Great Seljuk dynasty, which spread over a wide geography, had produced similar architectural works in Anatolian lands, too. Iwan is one of the architectural structures that existed during the Seljuk dynasty and later passed to the Ottoman dynasty. Generally, the courtyard and the places where the outer part of the building is seen as semi-closed are considered features of this period. Due to the climate conditions, the iwan is always located on the outside of the building and is more useful in different seasons of the year compared to the atrium. Four-iwan mosques became popular during the Seljuk period. Zavareh Mosque is the first mosque with four-iwan, which according to the inscription of the mosque itself was built in 1135, during the reign of Sultan Sanjar. Another feature of this period is the presence of buffed bricks in the architectural works of the period. Glazed stones, especially with special colors, were used in the Seljuk period. Since the lands where the Great Seljuk and Anatolian Seljuk dynasty were established are earthquake areas, the materials used in the architectural works were adjusted accordingly. It is possible to say that Oghuzes were influenced by the materials used inside the tents in terms of shape and interior design since they lived in a semi-nomadic lifestyle before they came to the Khorasan regions. Another feature of the Seljuk period architectural works is the use of minarets. Many minarets were used in the architecture of mosques in the Seljuk dynasty period. In this period, which witnessed different

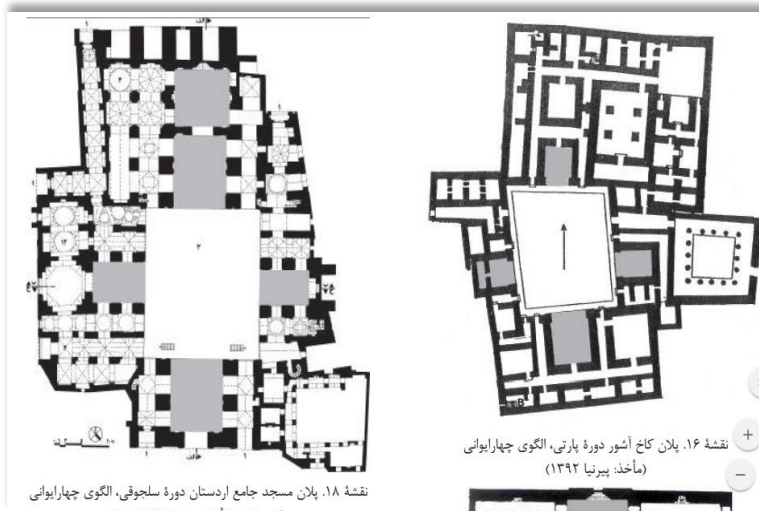
sect conflicts, the construction of mosques and madrasas were more. The reason was the effort to come in contact with the people more than other ideologies. Commercial roads became safer as a result of the trust environment created by the Seljuk dynasty and the caravanserais built as a result of this are a feature That emerges in the architectural works of this period. The rise of the Silk Road and commercial streets caused caravanserais and related buildings, such as water reservoirs, glaciers, and public utilities were considered by the government. Among the prominent caravanserais of the Seljuk period, we can name the caravanserais of Robat Sharaf, Robat Zafaranih and Robat Mahi.

## KAYNAKÇA

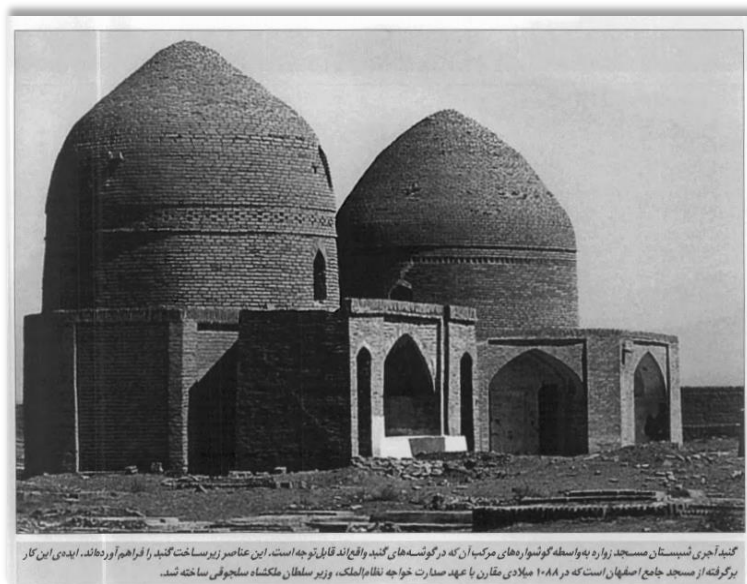
- Afşar, H. (2018). Sahtarhaye ictima'ı, mühimterin amil şeklgiri borchaye Harakan. *Pejuheşhaye bastanşinasi İran*, 18, 141-156.
- Âlipur, M. (1395). Şivehaye ecraye arayehaye taz'ini mimari İran der devreye Selcuki. *Feslnameye mutaliat-i İranşinasi*, 4, 109-135.
- Asğeri, N. (t.y.). *Cozvehye mimari İran ve cahan beraye karşenasi erşed*. Tahran: Danişkedeye Hünerhaye Ziba Yayınevi.
- Attarzadeh, K. (1394). Harkan Borcha, Adil, G. H., *Danişnamehaye cahan-ı İslam* (C. 15). Tahran: Bunyad-ı Dyıretul Muaref İslami Yayınevi.
- Edrisi Hosrevşahi, N. (1386). Hikmet-ı tez'inyat der hüner ve mimari İslami. *Neşriye-yi mimari ve shtiman*, 14, 43-46.
- Ettinghausen, R-Grabar, O, (1384). *Hüner ve mimari İslami* (Ajeng, Y. Çev.). Tahran: Semt Yayınevi.
- Godard, A. (1367). *Asar-ı İran* (C. IV) (Servkadmukaddam A. Çev.). Meşhed: Bunyad-ı Pejuheşhaye İslami Yayınevi.
- Hambis, L., Margarita C. (1383). *Hüner-ı Selcuki ve Harezmi* (Ajand, Y. Çev.). Tahran: Moli Yayınevi.
- Haniki, R. (1392). *Karvansarahaye Horasan*. Tahran: Pejuheşgah Miras-ı Ferhengi Yayınevi.
- Hilmi, A. (1383). *Devlet-i Selcukiyan* (Tahiri A. N. Çev.). Tahran: Pejuheşgah-ı Hoze ve Danişgah Yayınevi.
- Hoag, Henry, M. (1375). *Sebşinasi hüner-ı mimari der serzeminhaye İslami* (Vercavend, P. Çev.). Tahran: İlmi ve Ferhengi Yayınevi.
- Kesayi, N. (1363). *Medaris-ı Nizamiye ve tesirat-ı ilmi ve ictimayi anha*. Tahran: Emir Kebir Yayınevi.
- Kiyani, M. Y., Kalis V. (1362). *Fihrest-i karvanserahaye İran*. Tahran: Sazman-ı Hifazet-i Asar-ı Tarihi İran Yayınevi.
- Maxime, S. (1349). *Karvanserahaye İran sahtimanhaye küçek-ı miane rahha* (Behnam İ. Çev.). Tahran: Saziman-ı Milli Hefazet az Asar-ı Bastani İran Yayınevi.
- Mazenderani, G. (1394). Mimari müstehkem-ı Selcuki. *Domahnameye tefekkür mimari*, 42, 82-95.
- Mollazadeh, K. (1378). Mescid-i kırmız-ı saveh. *Dairetul muarif binahaye tarihi İran der doran-ı İslami*, Pejuheşgah-ı Ferheng ve Hüner-ı İslami, Tahran .
- Motadeyyen, H. (1378). Mescid Çahar İvani. *Mecelleye hünerhaye ziba*, (C. 6), 84-89.
- Pirniya, M. (1384). *Sebşinasi mimari İrani*. Tahran: Suruş-ı Daniş Yayınevi.
- Ruku'i, İ. (t.y.), *Serzemin-ı ma (murur-i be tarih ve mimari İran)*. Tahran: Keyvan Yayınevi.
- Schroeder, E. (1387). Devrey-ı Selcuki, çev: Bakır Ayetullahzadeh şirazi, Der: Arthur Pope ve Ackerman Philis, Seyri Der Hüner-i İran Ez Devran-ı Piş Ez

- İslam ta Emrooz, çev: Mustafa Zakiri-Sadık Melek Şehmirzadı, Zirenezer-1 Siroos-e Perham, C. 3, Tahran: İلمي ve Ferhengi Yayınevi.
- Şekofte, A., Ahmedî, H. & Udbaşı, Ü. (1394). Tezînat-ı acorkari Selcukiyan ve tedavom-ı an der teziynat-ı doran-ı Harezmsâhi ve İlhani. *Feslnamehye pejuheşhaye mimari İslami*, 6, 84-104.
- Selim, G. (1383). *Mahmud-ı Gaznevi serağaz-ı vapesgerayi der İran*. Tahran: Belh Yayınevi.
- Vercavend, P. (1356). İstimrar-ı hüner-ı mimari ve şehirsazi İran pes ez İslam der devran-ı İslami. *Mahname hüner ve mardom*, 180, 2-19.
- Yusefifar, Ş. (1390). Cestarhayı der munasebat-ı şehro şehrneşini der devreye Selcukiyan. *Pejuheşgah-ı ulum insani ve motaleat-ı ferhengi*, Tahran.
- Zamani, Y. & Abkenari, A. (1396). Vakavi asar-ı mimari ve ikdamat-ı umrani nohostin hükümranan-ı Selcuki ber asas-ı menabe' mektub ez sal-ı 429 ta 465 H.k. *Feslnamehye pejuheşhaye bastanşinasi İran*, 12, 227-244.

EKLER:

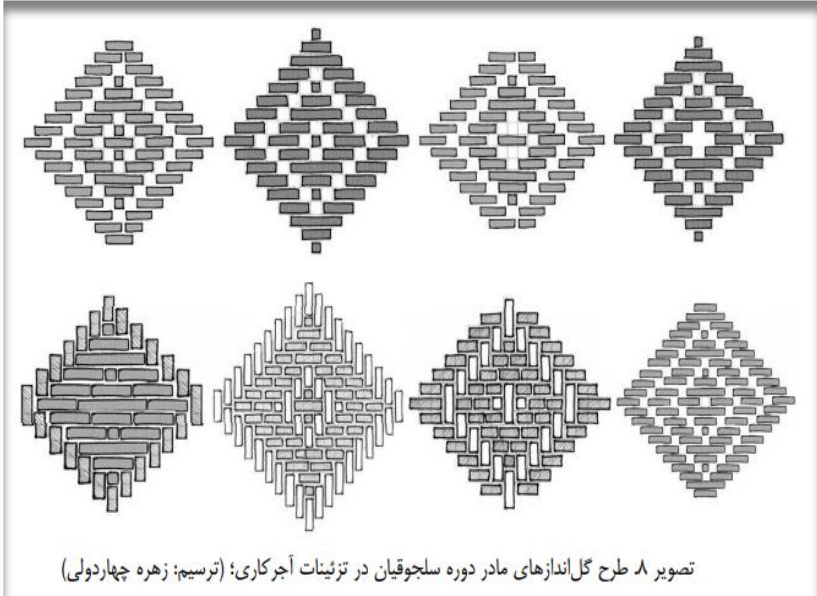


مقایسه پلان کاخ دوره اشکانی با پلان مسجد دوره سلجوقی (از کتاب سبک شناسی معماری ایرانی: پیرنیا)



گنبد آجری شمسستان مسجد زواره به واسطه گوشواره‌های مرکب آن که در گوشه‌های گنبد واقعند قابل توجه است، این عناصر زیرساخت گنبد را فراهم آورده‌اند. ابدی این کار برگرفته از مسجد جامع اسفهان است که در ۱۰۸۸ میلادی مقارن با عهد صدارت خواجه نظام الملک، وزیر سلطان ملکشاه سلجوقی ساخته شد.

(گنبد آجری مسجد جامع زواره) (از مقاله معماری مستحکم سلجوقی: علی مازندرانی)



(برگرفته از مقاله تزئینات آجرکاری سلجوقیان: شکفته و دیگران)

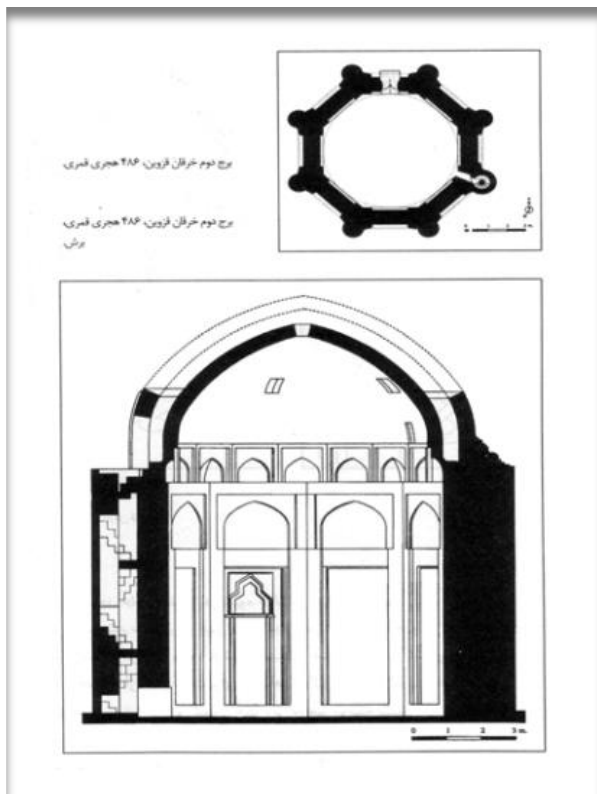


تصویر ۴. ایوان جنوبی و آبانبار حیاط دوم رباط شرف  
(عکس از: بهمن سلطان احمدی).



تصویر ۳. حیاط اول رباط شرف  
(عکس از: بهمن سلطان احمدی).

تصاویر کاروانسرای رباط شرف (از اینترنت)



پلان برج های خرقان ( از کتاب سبک شناسی معماری ایرانی: پیرنیا)